

سعید حجاریان در یادداشتی نوشته چنانچه خاطرات فرماندهان نظامی دوره پهلوی و اطرافیان شاه را تورق کنیم می‌بینیم شاه کارها را به فردا موکول می‌کرد. چرا به راه بادیه برویم تا ناگزیر از اکل میته شویم؟



فساد را می‌توان به بیماری تشبیه کرد؛ نشانه‌های فساد مانند اولین علائم مرض است. اگر بیمار اهمال کند و نزد پزشک نرود و به گزاره «خود به خود خوب می‌شود» اکتفا کند وضعیت غیرقابل علاج پدید می‌آید مانند امواج سلطانیسم. از سلطان قیر و سکه و خودرو تا دیگر سلطان‌های در راه...

به گزارش اسپادانا خبر، سعید حجاریان در یادداشتی نوشته است:

مقوله زمان در عصر پیشامدرن، مدرن و پسامدرن تفاوت تام دارد. زمان در عصر پیشامدرن دوری است زیرا با گردش سال، دوره‌های زمان تعیین می‌شد اما در عصر مدرن زمان خطی شده است. به این معنا که هر چیزی را می‌توان انباشت امور گذشته دانست. به عنوان مثال در جامعه عشایری کوچ امری کلیدی بود و به همین دلیل زمان حرکت برای رئیس عشیره اهمیت داشت تا به موقع به مرتع جدید برسند و احشام در برف و بوران تلف نشوند؛ این رویه سال‌های پیاپی تکرار می‌شود و دَوْران دارد. همچنین در یک اقتصاد معیشتی-کشاورزی می‌دانند چه زمانی باید نشاء کرد، چه زمانی باید درو کرد، چه زمانی باید برداشت کرد و چه وقت به سراغ ذخیره کردن رفت. این امور هم به گذران ماه‌ها بستگی دارند و دَوْرانی هستند.

در مقابل، در بورس‌های بزرگ از جمله نیویورک سال و ماه متغیرهای مؤثری نیستند زیرا انباشت سرمایه اولویت دارد. لذا زمان خطی پیش می‌رود چرا که سرمایه‌دار باید بتواند ثروت‌اش را به قدری افزایش دهد تا قادر به خرید بخشی از سهام موردنظرش باشد. امروزه در روش‌های مدیریت صنعتی نیز برخلاف الگوهای پیشین ساخت و تولید، زمان‌بندی پروژه‌ها به صورت خطی تعریف می‌شود و مشخص است پروژه باید تا چه تاریخی، چه مقدار پیش برود لذا هر تأخیری موجب زیان و تعویق پروژه در بُعد کلان است پس، اهمال‌کاری و کار امروز را به فردا وا گذاشتن، باعث می‌شود مجموعه‌ای ورشکست شود و به بیان عامیانه به خاک سپاه بنشیند.

اما از آن مهم‌تر این است که حکومت دست به «تسویف» بزند. تسویف از ریشه سوف و به معنای تعلل کردن و به تأخیر انداختن است. تسویف همچنین معادل واژه (procrastination) در زبان انگلیسی است که به فردافکنی نیز ترجمه شده است. یعنی امری به فردا موکول شود در حالی که نیاز به تصمیم عاجل وجود دارد و بیم فرصت‌سوزی می‌رود.

در روایت آمده است، گاهی نسیم می‌وزد، آن را دریابید. «ان لربکم فی ایام دهرکم نجات الا فتعرضوا لها». گمان می‌کنم من اولین بار عنوان «فرصت‌سوز» را درباره آقای خاتمی به کار بردم و گفتم ایشان «فرهنگ‌ساز فرصت‌سوز» است.

متأسفانه در این چهارده نسیم‌های زیادی وزیده است و ما آن‌ها را حس نکرده‌ایم چه برسد به آنکه دریابیم. شاید هم فهمیده‌ایم و به آینده‌ای موهوم موکول کرده‌ایم. بعضی اوقات هم بادهای سمی وزیده است که باید همان را چاره می‌کردیم و نکردیم و امروز این‌ها جمع شده و گریبان کشور را گرفته است.

فساد پریسامدترین مسئله است. اگر از ابتدای انقلاب سیستم‌های مراقبتی علمی تدوین شده بود که اساساً فساد نتواند ریشه بدواند، اکنون کشور به نقطه‌ای نمی‌رسید که در هر اداره و ارگان و در هر صنفی فساد دامن‌گستر بشود. فساد را می‌توان به بیماری تشبیه کرد؛ نشانه‌های فساد مانند اولین علائم مرض است. اگر بیمار اهمال کند و نزد پزشک نرود و به گزاره «خود به خود خوب می‌شود» اکتفا کند، وضعیتی غیرقابل علاج پدید می‌آید مانند امواج سلطانیسم از سلطان قیر و سکه و خودرو تا دیگر سلطان‌های در راه...

نمونه دیگر مسئله جنگ است. در جنگ ایران و عراق، در همان روزهای نخست ضعف‌های بعضی از فرماندهان جنگ مشهود بود اما علاج را به بعد موکول کردیم تا حدی که در خاتمه جنگ گفته شد بنا بود عده‌ای از فرماندهان سپاه محاکمه و مجازات شوند. علاوه بر این شاهد هستیم در سالیان اخیر، شماری از این افراد عهده‌دار بازخوانی تاریخ جنگ شده‌اند و به راحتی از خطاهای استراتژیک و تعداد شهدا سخن می‌گویند بی‌آنکه فرد یا نهادی از اهمال‌کاری آن‌ها پرسش کند.

اهمال‌کاری و تسویف مانند رفتار پدری است که فرزندش را تنبه می‌دهد اما سعی نمی‌کند او را تربیت کند تا روزی که از کوره در می‌رود و فرزند را از پنجره به بیرون پرتاب می‌کند. درست شبیه دوران جنینی فساد که قابل رؤیت بود و هست اما یکباره از دستگیری و حکم اعدام می‌گویند و اعتبار نهادها را یک به یک از بین می‌برند.

واقعیت آن است بحران‌های امروز ما یک‌شبه به وجود نیامده‌اند و حاصل انباشت مشکلات هستند. مشکلاتی که ابتدا خُرد بودند اما به تدریج به معضل، بحران و نهایتاً فاجعه ختم شدند و همه این‌ها ریشه در تسویف دارد. عرب‌ها در مثالی می‌گویند، فی صیف ضیعت اللین! یعنی در تابستان که شیر دوشیده شد باید سریعاً آن را به محصولی ماندگار تبدیل کرد و الا حاصل کار از بین می‌رود. این مثال همچون اسلایدهای یک فیلم پیش روی ماست.

چنانچه خاطرات فرماندهان نظامی دوره پهلوی و اطرافیان شاه را تورق کنیم، می‌بینیم شاه کارها را به فردا موکول می‌کرد و می‌گفت بگذارید ببینم فردا چه می‌شود. یکی از نقاط کلیدی در مسئله تسویف در همین جا نهفته است. تسویف باعث محدود شدن گزینه‌ها می‌شود و نهایتاً به بی‌گزینگی می‌انجامد.

در دوران جنگ ایران و عراق نیز فرصت‌هایی برای تغییر معادلات جنگ پیش روی کشور بود اما جدال‌های بیهوده، اختلاف‌نظرها و پافشاری بر شعارهایی از جمله «جنگ جنگ تا یک پیروزی بزرگ»، «جنگ جنگ تا رفع فتنه از جهان» و... پایان جنگ را به تعویق انداخت و خسارت‌ها را تشدید کرد تا جایی که فرمانده جنگ در نامه‌ای به امام خمینی گفت مسئله جنگ با تمهید تجهیزات فراوان مرتفع می‌شود؛ از بالگرد و هواپیمای نظامی تا بمب اتم و در اینجا نیز تسویف، نوشیدن جام زهر را به دنبال داشت.

در دولت معجزه، درآمد نفتی هنگفتی به وجود آمد اما تسویف باعث شد این درآمد نه به امور زیربنایی وارد شود و نه حتی نظارتی صورت بگیرد نتیجه آنکه پس از بحران کرونا برای استقراض 5 میلیارد دلار به بانک جهانی مراجعه کرده و به در بسته خورده‌ایم؛ یعنی با آن حجم از درآمد نفتی متأسفانه به افلاس افتاده‌ایم. طرفه آنکه، در بعضی متون فقهی هم این وضعیت به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال برخی علما معتقدند اگر کسی به راه بادیه رفت و طعام نیافت می‌تواند به مردار خواری دست بزند. حال آنکه باید پرسید چرا در زمینه سیاست‌گذاری و اداره امور عمومی و امر خطیر کشورداری باید به راه بادیه برویم تا ناگزیر از اکل میته شویم؟ به عنوان مثال در قضیه کرونا، کشوری مانند کره جنوبی فرصت را دریافت (تسویف نکرد) و بلافاصله تست را آغاز کرد. سپس قرنطینه را کلید زد و نتیجتاً تلفات را پایین نگه داشت. در مقابل، ایتالیا، ایران و برخی دیگر از کشورها تعلل کردند و کرونا از آن‌ها سبقت گرفت. نتیجه آنکه اکنون کره جنوبی نه با بحران کرونا مواجه است و نه با بحران‌هایی همچون اشتغال؛ و این نتیجه تصمیم‌گیری بهنگام و جلوگیری از فرصت‌سوزی است.

منبع | دیده‌بان ایران

برچسب ها: [سپاه پاسداران](#) [1]
[جنگ](#) [2]
[تاریخ](#) [3]